



حضور فعال در

عصر انتظار

سید ابراهیم سجادی

شرایط عضویت در گروه یاران

مهدی علیه السلام

همانگونه که در قسمت قبل گفته شد، رعایت عدالت و نیکی به دیگران فرهنگ رایج جامعه عصر حضور را تشکیل می دهد و این فرهنگ قبل از تشکیل حکومت بین اصحاب، انصار و پیروان امام علیه السلام رواج دارد. امام علیه السلام همراه با چنین پیروانی، جامعه بشری را به بندگی خداوند، رعایت عدالت و احسان و نیکی به همدیگر فرا می خوانند. بنابراین، بندگی خدا، رعایت عدالت و اخلاق و نیز خیرخواهی، ابتدایی ترین شرط

پذیرش در گروه های فعال عصر حضور است.

شجاعت، قوت قلب، اراده آهنین و آمادگی هر فرد برای رویارویی با چهل نفر، از دیگر ویژگی های شیعیان، یاران و اصحاب امام است و داوطلب عضویت در این گروه ها ناگزیر از داشتن ویژگی های یاد شده است. این ویژگی ها ارتباط تنگاتنگی با قدرت علمی و معرفتی افراد نیز دارد.

سومین شرط، توان رهبری و مدیریتی پیشرفته است که برای متقاضیان عضویت در گروه اصحاب، لازم است؛ همان گونه که محبت و

سپرده شد؛ از باب نمونه، درباره کمال اخلاقی پیامبر به عنوان یکی از محورهای شایستگی رهبری، در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

«إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقِي عَظِيمٍ»، ثُمَّ قَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لَيْسُوسَ عِبَادَةِ فَقَالَ: «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^۱ «خداوند پیامبرش را تربیت کرد و ادب او را نیکو گرداند. وقتی او را به کمال ادب رساند، فرمود: «تو به اخلاق شکوهمندی نایل آمده‌ای.»

آنگاه کار دین و امت را به او سپرد تا به سیاست [و تدبیر] امور بندگانش بپردازد. سپس فرمود: «آنچه رسول [خدا] برای شما آورد، بگیرید و از آنچه نهی کرده، خودداری کنید.»

۱. کلینی، محمد، اصول کافی، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۶۶. تذکر:

مبلغین محترم توجه فرمایید در مواردی که آیه یا روایتی در مجله به صورت تحت اللفظی ترجمه شده است هنگام بازگویی آن ترجمه در سخنرانی و منبر، معنای سلیس و روانش را بیان دارند. مسانند: «إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ...؛ خداوند پیامبرش را به نیکوترین وجه تربیت و تأدیب نمود...»

خیرخواهی متقابل نیز از صفات لازم برای عضویت در جمع اصحاب امام قلمداد شده است.

توان رهبری در اندیشه دینی، به معنای مجموعه شایستگی‌هایی است که فرد یا افراد را ممتاز نشان می‌دهد، موقعیت اجتماعی آنان را بالا می‌برد و سبب افزایش جاذبه و نفوذ معنوی ایشان می‌شود. عمده‌ترین این شایستگی‌ها عبارت است از: اوج تعبد، کمال عقیدتی، کمال اخلاقی، داشتن شناخت دینی، مهارت سیاسی و حس مردم‌دوستی.

وقتی این ویژگی‌ها در بالاترین حد ممکن در افراد وجود داشته باشد، قدرت، آنان را به طغیان و استبداد وادار نمی‌کند و انجام مسئولیتها برایشان آسان می‌شود. و این گونه، زندگی و رفتار آنها سرمشق و الگوی سایر افراد جامعه شناخته می‌شود و بدین وسیله اصلاح جامعه با سهولت و آسانی انجام می‌گیرد.

در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نخست این مزایا با عنایت ویژه الهی به وجود آمد و آنگاه وظیفه رهبری جامعه به او

می فهمد که طرح چنین احتمالی با تعالیم دین سازگاری ندارد. دین برای این است که متدینان را در مسیر کسب علم، اخلاق و رفتار شایسته هدایت کند. دل بستن به معجزه برای ساختن شخصیت اسلامی مناسب عضویت در گروههای طرفدار نهضت حضرت مهدی علیه السلام، به معنای نادیده گرفتن دین و رها شدن در مسیر بی بند و باری است.

سیره منتظران

تمام متون باب انتظار با تأکید، این مطلب را بازگو می کنند که انتظار از نوع رفتار هدفمندانه است و نه آرزو و توقع محافظه کارانه و سازش گرایانه؛ زیرا بیزاری سازش کارانه از نظر اسلام گناهی غیر قابل بخشش است. دین هیچ گاه به مسلمانان اجازه نمی دهد که به بهانه ناتوانی و خواست قدرت حاکم، راه و روش زندگی غیر ارزشی را فراروی خود قرار دهند. اگر اختناق فرصت سالم زیستن را از آنان گرفت، راه هجرت را پیش گیرند، هر چند

به هر حال، هر کدام از گروههای اصحاب، انصار، اعوان و شیعیان امام علیه السلام، ویژگیها و شرایطی دارند. افراد داوطلب عضویت در هر کدام از این گروهها باید از آن شرایط برخوردار باشند. سؤال قابل طرح این است که آیا افراد، در عصر حضور، به صورت معجزه آسا از این ویژگیها برخوردار می شوند؟ یا اینکه به صورت طبیعی با اراده و تلاش خود، آن خصایص را در شخصیت خویش فراهم می آورند؟

ممکن است احتمال اعجاز را کسی مطرح نماید و روایت امام باقر علیه السلام را دلیل ادعای خود قلمداد کند؛ آنجا که فرموده: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ»^۱ در زمان قیام قائم ما، خداوند دستش را روی سر بندگان می گذارد و به وسیله آن، عقول آنان را جمع می کند و به کمال می رساند.»

روایت مزبور، هر معنا و تفسیری که داشته باشد، نمی تواند دلیل قانع کننده ای برای ادعای فوق تلقی گردد. کسی که کمترین آگاهی دینی دارد،

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۲۸

«لَأَنْتُمْ سَبَقْتُمُوهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ
وَالَى الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْإِلَى كُلِّ فِعْلِهِ
وَخَيْرِ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ الْمُسْتَرِّ مُطِيعُونَ لَهُ
صَابِرُونَ مَعَهُ، مُنْتَظِرُونَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ خَائِفُونَ
عَلَى إِمَائِكُمْ وَعَلَى أَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُلُوكِ؛^۱
شما پیش از آنها دین را پذیرفتید و به
نماز، روزه، حج و کسب هر نوع آگاهی
و انجام هر کار خیر و عبادت پنهانی
خدا سبقت جستید در حالی که مطیع او
و صبر کننده با او و در انتظار برپایی
حکومت حق هستید؛ و نسبت به
امامتان و خودتان از [ستم] پادشاهان
می ترسید.»

سیره منتظران باید به گونه ای باشد که
به مقبولیت آنان در جبهه تحت رهبری امام
و سهولت تشکیل دولت حق بینجامد.

در روایستی امام صادق علیه السلام
می فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ
النَّقَائِمِ فَلْيَنْظُرْ وَلْيَعْمَلْ بِالنُّورِ وَمَحَاسِنِ
الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ فَإِنَّ مَاتَ وَقَامَ النَّقَائِمُ
بَعْدَهُ، كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ
فَسَجَدُوا وَانْتَظَرُوا؛^۲ کسی خوشحال

بیچارگان معذور شناخته شده اند. قرآن
می گوید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَاهُمُ الْمَلَائِكَةَ
ظَالِمِينَ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا
مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ
اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ
جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا * إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ
الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً
وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا * فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ
يَسْفُو عَنْهُمْ *»^۱ «کسانی که فرشتگان
جانشان را می ستانند؛ در حالی که بر
خویشان ستم کرده بودند. از آنها
می پرسند: در چه کاری بودید؟ گویند:
ما در روی زمین مستضعف بودیم.
فرشتگان گویند: آیا زمین خدا پهناور
نبود که در آن مهاجرت کنید؟ مکان
اینها جهنم است و سرانجامشان بد،
مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفی
که هیچ چاره ای نیابند و به هیچ جاره
نبرند. باشد که خداشان عفو کند.»

عمار ساباطی وقتی فضیلت
انتظار را شنید، با شگفت زدگی پرسید:
ما که در حال انتظار به سر می بریم و
کسانی که در کنار امام زندگی می کنند،
پیرو یک دین هستیم. پس چرا اعمال
ما فضیلت بیشتر دارد؟ امام فرمود:

۱. نساء/ ۹۷-۹۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۷.

۳. غیبت نعمانی، محمد نعمانی، ترجمه محمد

زمان بیاید و امور را اصلاح کند. زندگی با دستورات دینی در دوران غیبت واقعاً دشوار و طاقت فرساست. البته اگر وظایف دینی متوجه منتظران باشد، که هست، پیامد پرداختن بدانها واقعاً پرهزینه است. یمان تمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمَتَمَسِّكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِشَوْكِ الْقِتَادِ بِيَدِهِ، ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ هَكَذَا، قَالَ: فَأَيُّكُمْ تُنْسِكُ شَوْكَ الْقِتَادِ بِيَدِهِ، ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيئًا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ عِنْدَ غَيْبَتِهِ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ؛^۱ همانا برای صاحب این امر، غیبتی است. کسی که در عصر غیبت به دینش پایبند بماند، مانند کسی است که دست خود را از بالای شاخه درخت قتاد (درخت بزرگی که خارهایش مثل سوزن است)، به طرف پایین آن می‌کشد تا خارهایش بریزد. سپس با دستش اشاره کرد و فرمود: این گونه. (یعنی شکل کشیدن دست را بر درخت، با

تمام متون باب انتظار با تأکید، این مطلب را بازگو می‌کنند که انتظار از نوع رفتار هدفمندانه است و نه آرزو و توقع محافظه کارانه و سازش‌گرایانه؛ زیرا بیزاری سازش کارانه از نظر اسلام گناهی غیر قابل بخشش است

می‌شود که از اصحاب قائم باشد، پس باید انتظار بکشد و در حال انتظار به کسب تقوا و اخلاق نیکو پردازد. پس اگر اجل دامن‌گیرش شد و قائم بعد از وی قیام کرد، پاداش او همانند پاداش کسی است که آن حضرت را درک می‌کند. پس بکشید و انتظار بکشید.» این حدیث نشان می‌دهد که بر خلاف نظر برخی از راحت طلبان، در دوران انتظار نمی‌توان دست روی دست گذاشت و امیدوار بود که امام

جواد غفاری، چاپ اول، کتابخانه صدوق، ص ۲۹۲.

۱. بحار الانوار، همان، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

کشیدن دستش بر دست دیگر ترسیم کرد). و فرمود: کدامیک از شما شاخه [خاردار] درخت قتاد را با دست خود می‌گیرد؟ سپس مدت طولانی خاموش شد، آن‌گاه فرمود: برای صاحب این امر، غیبتی است. پس بنده باید در زمان غیبت تقوای الهی را پیشه خود سازد و به دینش تمسک جوید.»

براساس روایت معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «طوبی لمن أذرك قائم أهل بيتي وهو مقتدى به قبل قيامه يتولى وليه ويتبرأ من عدوه ويتولى الأئمة الهادية من قبله أولئك رفقاى وذوو ودى ومسودنى وأكرم أمتى على»^۱ خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را درک کند، در حالی که پیش از ظهورش پیرو او بوده، دوستانش را دوست و از دشمنانش بیزاری می‌جسته و امامان پیش از او را سرپرستان خود می‌شناخته است. آنان رفقا، دوستداران و بزرگوارترین اتمم برای من هستند.»

براساس این روایت، یکی از بارزترین شاخصهای منتظر، تولا و تبرای عملی است که ممکن است تلخ‌ترین نتایج از قبیل شکنجه، زندانی، تبعید شدن، و... را

برای او داشته باشد.

یکی از آیاتی که طبق روایت امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام^۲ وضعیت شیعیان منتظر را پیش از ظهور نشان داده، وضعیت و شرایط بعد از ظهور را توضیح می‌دهد، آیه ۵۵ سوره نور است:

«وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۱ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند؛ همچنان که مردمی را که پیش از آنان بودند، جانشین [دیگران] کرد. و دینشان را که خود برایشان پسندیده است، برایشان استوار سازد و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می‌پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌کنند.»

آیه دیگری که بر اساس روایتی از

۱. همان، ص ۱۲۹.

۲. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه ۵۵ سوره نور.

منتظران واقعی کسانی هستند که با عبور از مسیر بندگی و کسب صفای باطن، غیب را به تماشا می‌نشینند و با احساس حضور در محضر غایب منتظر، زندگی را تجربه می‌کنند

محضر غایب منتظر، زندگی را تجربه می‌کنند. در نتیجه، وقتی که تمام معتقدان به مهدویت، با آرزوی مشارکت در نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل دولت حق، سیره نیل به قلّه عرفان را پیشه خود قرار می‌دهند، انتظار، قدرت سازندگی خود را باز می‌یابد و حضور در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و... آمیخته با معنویت، همگانی می‌شود.

۱. همان، ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیاء.

۲. انبیاء/۱۰۵.

امام باقر علیه السلام^۱ اشاره به امام زمان و اصحابش دارد، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء است که با تعبیر «عِبَادِی الصَّالِحُونَ»؛ خودسازی را تا حدّ دستیابی به مقام صالحان برای آنها اثبات می‌کند:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِی الصَّالِحُونَ»؛^۲ (مادر زبور پس از ذکر نوشته‌ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.)

براساس این آیه، ایمان و رفتار صالح و پرورش شخصیت شایسته، به عنوان پیش‌زمینه‌های دستیابی به وراثت و خلافت زمین، یکی از ویژگیهای رفتاری منتظران راستین است. در نهضت جهانی مهدی علیه السلام را تأمین کند. بسی تردید، این نوع خودسازی بدون تبرزای سیاسی و موضع‌گیری در قبال حکومت‌های باطل که فشارها، محنتها، رنجها و گرفتاریهای ناشی از آن بر کسی پوشیده نیست، عملی نخواهد بود.

بنابراین، منتظران واقعی کسانی هستند که با عبور از مسیر بندگی و کسب صفای باطن، غیب را به تماشا می‌نشینند و با احساس حضور در